

چیستی انقلاب اسلامی و نسبت‌سنجی آن با جمهوری اسلامی از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

محسن محمدی الموتی*

چکیده

تحقق اهداف انقلاب اسلامی، مستلزم فهم نظری دقیق و عالمانه مسئولان، نخبگان و آحاد مردم از ماهیت و چیستی انقلاب اسلامی و نسبت آن با جمهوری اسلامی است. تعبیر و خوانش‌های متعددی در این موضوع از سوی صاحب‌نظران در جامعه نخبگانی کشور ارائه شده که باور و ابتناء به هر یک از آنها، تأثیرات مهم و اساسی در جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های آینده نظام در مسیر تحقق اهداف انقلاب اسلامی برجای خواهد گذارد. نظر به نقش و جایگاه مهم ولایت‌فقیه و رهبری جامعه اسلامی، این مقاله می‌کوشد ماهیت و چیستی انقلاب اسلامی و نسبت بین انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تبیین نماید. نتایج حاصل از تحقیق که پس از بررسی دیدگاه‌های موجود، مبانی فلسفی و تحلیل محتوای بیانات امام خامنه‌ای به دست آمد، نشان داد که از دیدگاه ایشان، انقلاب اسلامی حرکتی مستمر، بالنده، پیش‌رونده و رو به کمال با مجموعه‌ای از آرمان‌ها و ارزش‌های والای اسلامی و انسانی است که از جمهوری اسلامی جدا نبوده و بین این دو رابطه همزیستی از نوع روح و جسم وجود دارد. بدین معنا انقلاب اسلامی با پیروزی‌اش پایان نیافته و مثل روح در کالبد نظام جمهوری اسلامی به حیات خود ادامه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، دولت اسلامی، تمدن نوین اسلامی، امام خامنه‌ای.

مقدمه

نظام جمهوری اسلامی ایران در حالی حیات چهل ساله خود را تجربه می‌کند که به رغم توفیقات فراوان در عرصه‌های متعدد حکومت‌داری، تا رسیدن به افق‌های آرمانی فاصله زیادی دارد. تحقق اهداف انقلاب اسلامی مستلزم طی مراحل متعددی است که در همه آنها می‌بایست ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی به عنوان حرکتی مستمر، پیش‌رونده و بالنده، ساری و جاری باشد. این مهم می‌طلبد تا در خصوص ماهیت و چیستی انقلاب اسلامی و نسبت آن با جمهوری اسلامی، فهم صحیح و واقع‌بینانه‌ای در میان مسئولان، نخبگان و در نتیجه آحاد مردم حاصل شود.

تعاریف و تعبیر مختلفی از ماهیت و چیستی انقلاب اسلامی و خوانش‌های متعددی درباره نسبت انقلاب اسلامی با جمهوری اسلامی توسط صاحب‌نظران و اندیشمندان ارائه شده است. برخی گزاره‌ها نگاه حداقلی به انقلاب داشته و ماهیت آن را صرفاً در دگرگونی هیأت حاکمه دنبال نموده و تفاوتی میان ماهیت انقلاب با سایر تحولات، نظیر کودتا، شورش و... قائل نمی‌شوند (Eckstein, 1965: 133).

برخی دیگر با نگاه حداکثری، دگرگونی بنیادین در ساختارهای گوناگون جامعه را مترادف انقلاب می‌دانند (Huntington, 1968: 264).

عده‌ای آن را مقوله‌ای منفی قلمداد نموده که حاصلی جز خشونت، بی‌نظمی و گسترش انواع آسیب‌های اجتماعی در جامعه ندارد (آرنت، ۱۳۸۱) و نهایتاً برخی دیگر انقلاب را مقوله‌ای مثبت قلمداد نموده که می‌تواند موجب تکامل و تعالی یک ملت گردد (مطهری، ۱۳۹۷: ۳۱).

در خصوص رابطه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی نیز برخی با این باور که انقلاب‌ها، پدیده‌هایی زودگذر در تاریخ جوامع بشری هستند، مأموریت انقلاب اسلامی را با استقرار نظام جمهوری اسلامی پایان یافته تلقی می‌کنند و معتقدند، مقتضیات زمان انقلاب اسلامی با جمهوری اسلامی متفاوت بوده و برخی اصول قانون اساسی برای یک کشور تازه انقلابی، اصلی طبیعی است (سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ۲۳۶). در سوی مقابل، برخی انقلاب اسلامی را از جمهوری اسلامی جدا نمی‌دانند و تفاوتی میان این دو مقوله قائل نمی‌شوند (محمدی، ۱۳۸۲: ۲۵۱-۲۵۶).

آشکار است، باور و ابتناء سیاست‌گذاران، نخبگان و آحاد ملت به هریک از آراء و نظرات پیش‌گفته، تأثیرات اساسی و مهمی در هدف‌گذاری، جهت‌گیری و اجرای سیاست‌های کلان داخلی و خارجی و تحقق اهداف و آرمان‌های نظام برجای خواهد گذارد.

نظر به تفاوت و تعارض دیدگاه‌ها و آراء در موضوع مورد بحث، دیدگاه حضرت امام‌خامنه‌ای با توجه به نقش و جایگاه مهم ولایت‌فقیه و زعامت و رهبری جامعه اسلامی و همچنین اشراف ایشان بر ماهیت و نیازهای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و شرایط داخلی و بین‌المللی، چهارچوب بسیار مناسبی برای فهم درست و دقیق از موضوع در جامعه نخبگانی کشور و در میان تصمیم‌گیرندگان و مسئولین نظام و همچنین مردم خواهد بود. از این رو، ماهیت و چیستی انقلاب اسلامی و نسبت آن با جمهوری اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری مسئله اساسی مقاله حاضر می‌باشد. بدین منظور محقق می‌کوشد به روش توصیفی تحلیلی، پس از بررسی و مرور مختصر دیدگاه‌های موجود، به مبانی و خاستگاه دیدگاه امام‌خامنه‌ای اشاره نموده و با تحلیل محتوای بیانات امام‌خامنه‌ای، ماهیت و چیستی انقلاب اسلامی و نسبت آن را با جمهوری اسلامی تبیین نماید.

الف- مروری بر دیدگاه‌های موجود

به منظور فهم دقیق‌تر دیدگاه امام‌خامنه‌ای در موضوع پژوهش، لازم است به طور اجمالی به گزاره‌های موجود درباره مفهوم انقلاب، انقلاب اسلامی و نسبت انقلاب اسلامی با جمهوری اسلامی اشاره کنیم. انقلاب از نظر لغت به معنای تغییر، تحول، برگشتگی و تبدیل است و در اصطلاح، هریک از اندیشمندان داخلی و خارجی متناسب با دیدگاه خود درباره انقلاب توضیحاتی داده‌اند. در مجموع ویژگی‌هایی نظیر نارضایتی عمیق از وضع موجود، ظهور و گسترش ایدئولوژی‌های جدید و جایگزین، گسترش روحیه انقلابی، رهبری و نهادهای بسیج‌گر به عنوان وجه مشترک در تعریف انقلاب در نظر گرفته می‌شود (عیوضی، ۱۳۹۵: ۱۹ و ۲۶).

در همین راستا می‌توان تعاریف موجود درباره انقلاب را به دو بخش حداقلی و حداکثری تقسیم نمود. طبق تعریف حداقلی، هر نوع تغییر و تحول سیاسی-اجتماعی حاکم بر جامعه نظیر کودتا، شورش و... بدون توجه به نوع و جهت تغییر یا تغییر ارزش‌های جامعه، انقلاب تلقی می‌شود

(جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۶: ۱۱). به عنوان نمونه، از دیدگاه تدا اسکاچپول، انقلاب سیاسی با تغییر حکومت، بدون تغییر در ساختارهای اجتماعی همراه است. از این منظر، انقلاب می‌تواند سیاسی و اجتماعی باشد و حتی جابه‌جایی حاکمان نوعی انقلاب به حساب آید (ملکوتیان، ۱۳۸۸: ۱۲۳). در تعریف حداکثری، انقلاب، حرکتی مردمی است در جهت تغییر سریع و بنیادین ارزش‌ها و باورهای مسلط، نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روش‌ها و فعالیت‌های حکومتی یک جامعه که توأم با خشونت داخلی باشد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۶: ۱۲). به عنوان نمونه، ساموئل هانتینگتون انقلاب را یک دگرگونی سریع، بنیادین، و خشونت‌آمیز داخلی در ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار، رهبری، فعالیت‌های حکومتی و سیاست‌های آن می‌داند (عیوضی، ۱۳۹۵: ۲۱). این دیدگاه، هر تغییری را معادل انقلاب نمی‌داند و معیارهای یک انقلاب سیاسی و اجتماعی را از هم تفکیک می‌کند. در این پیوند می‌توان گفت انقلاب، از ویژگی‌هایی چون جهان‌بینی و ایدئولوژی انقلابی، روحیه انقلابی، رهبری و ساختارهای جهادمحور و بسیج‌گرا، رویکرد تغییر زیربنایی در ساختارهای رسمی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی برخوردار است که آن را از سایر تحولات و خشونت‌های سیاسی مدنی متمایز می‌کند. در ذیل این دیدگاه، تعریف اندیشمندانی چون شهید مطهری و رهبر معظم انقلاب قرار می‌گیرد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۶: ۱۳). مقام معظم رهبری، انقلاب را دگرگونی بنیادین می‌داند که پایه‌های غلط را برچیده و پایه‌های درست برجای گذاشته می‌شود (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3053>). شهید مطهری نیز انقلاب اجتماعی را شورش، عصیان و طغیان علیه نظم حاکم موجود برای برقراری یک وضع و یک نظم دیگر مطلوب می‌داند (مطهری، ۱۳۹۷: ۳۱).

از سوی دیگر، بیشتر نظریه‌های انقلاب، مبتنی بر بررسی تعداد معدودی از انقلاب‌های معاصراند. طبیعی است که به دلیل تفاوت‌های ماهوی بین انقلاب‌ها نمی‌توان نتیجه به دست آمده از بررسی تعداد معدودی از انقلاب‌ها را به آسانی به همه آنها تعمیم داد. نظریه‌های کرین برینتون، آلکسی دوتوکویل، جیمزدیویس، تدا اسکاچپول و ساموئل هانتینگتون از این نوع‌اند. برخی دیگر از نظریه‌های انقلاب مانند نظریه مارکسی، انقلاب تحلیل خود را برپایه عقایدی نادرست یا غیرمعتبر درباره انسان، جامعه انسانی، دولت و تاریخ بشری بنا کرده‌اند که در صورت ارتباط تنگاتنگ این نظریه‌ها با این مبانی، این نظریه‌ها نیز غیرمعتبر خواهند بود. از این منظر،

بخش درخور توجهی از آثار و نوشته‌ها دربارهٔ رخداد انقلاب اسلامی دقیقاً بر مبنای یکی از نظریه‌های پیش‌گفتهٔ انقلاب بنا شده‌اند. بنابراین نقاط ضعف این نظریه‌ها، تحلیل دربارهٔ انقلاب اسلامی ایران را نیز خدشه‌دار کرده است (ملکوتیان، ۱۳۹۴: ۲۸).

در خصوص نسبت بین انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی متأثر از نوع نگاه و تعاریفی که از انقلاب اسلامی به ویژه مسئلهٔ استمرار انقلاب اسلامی وجود دارد، دیدگاه‌های متعددی شکل گرفته است که در یک تقسیم‌بندی کلی به شرح زیر است:

۱- جدانگاری: این دیدگاه، انقلاب اسلامی را به عنوان یک حادثه و واقعه در نظر می‌گیرد و معتقد است با فرار رسیدن ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و سقوط رژیم پهلوی، انقلاب اسلامی به پایان رسید و در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ نظام جمهوری اسلامی استقرار یافت. بر این اساس، انقلاب اسلامی پایان‌روندی است که به تاسیس جمهوری اسلامی منتهی شده است.

این دیدگاه، متأثر از نگاهی است که انقلاب‌ها را پدیده‌هایی زودگذر در تاریخ جوامع بشری می‌داند که برای سرنگونی یک نظام سیاسی شکل می‌گیرند و زمانی که نظام سیاسی جدید استقرار یافت، مأموریت انقلاب پایان یافته و انقلاب تبدیل به نظام می‌گردد (محمدی، ۱۳۸۲: ۲۴۰). لذا بر اساس این دیدگاه، انقلاب اسلامی به پایان رسیده و یک نظام تأسیس شده است و لازم است مانند یک نظام سیاسی متعارف و نه انقلابی عمل کند. در این فرض، گروهی هستند که بیان می‌کنند باید سیاست‌های اعلامی، انقلابی باشد اما سیاست‌های اعمالی، پراگماتیک و عمل‌گرایانه باشد. اما گروهی نیز معتقدند که حتی شعارها نیز نباید انقلابی باشد (جهان‌بین، ۹۵/۱۱/۱۲: خبرگزاری فارس).

از این منظر باید تفکیکی میان انقلاب اسلامی به معنای آرمان‌های بلند و جهانی آن و جمهوری اسلامی به مفهوم نظام سیاسی دولت ملت قائل شد و موضوع اصلی را باید جمهوری اسلامی و مسائل مبتلابه آن دانست. از این دیدگاه، مقتضیات جمهوری اسلامی با انقلاب اسلامی متفاوت است. انقلاب اسلامی تاریخی دارد که با وقوع تغییرات جهانی به سرآمده و اکنون باید تلاش ما معطوف به ساختن جمهوری اسلامی به مثابه الگویی برای سایر کشورهای منطقه باشد. اگر برخی اصول انقلاب با روندهای حاکم بر دنیا تعارض یابد، اقتضای روزآمد بودن این است که از آن اصول به نفع الگوسازی صرف نظر کنیم. انقلاب، مبتنی بر شور و احساس است ولی نظام

عقلانیت می‌طلبد. دخالت دادن اقتضائات انقلاب در مسائل نظام باعث بی‌نظمی و مختل کردن جمهوری اسلامی می‌شود که متولی حل مسائل زندگی مردم شده است. مسئله اصلی در این دیدگاه، نوسازی و اصلاح جمهوری اسلامی متناسب با شرایط تازه است (زائری در: <http://namehnews.ir>، ۹۲/۹/۲۲).

از سوی دیگر، برخی قائلین به این دیدگاه را، گروه‌های سیاسی معارض جمهوری اسلامی ایران نظیر مارکسیست‌ها، منافقین و نهضت آزادی تشکیل می‌دهند که معتقدند اگرچه انقلاب اسلامی پذیرفتنی و صحیح بوده اما از یک مقطعی به بعد، جمهوری اسلامی دچار انحراف شده است. این مقطع تاریخی زمانی است که این گروه‌های سیاسی جایگاه خود را در جمهوری اسلامی از دست داده‌اند. برخی دیگر که عمدتاً بعد از فتنه سال ۸۸ علیه کشور دست به شورش زدند، معتقد بودند که برای بازگرداندن جمهوری اسلامی به مسیر انقلاب اسلامی دست به کار شده‌اند و به همین دلیل از دوران طلایی حضرت امام سخن گفته و کاریکاتوروار از سبک مبارزاتی انقلاب اسلامی تقلید می‌کردند (ردادی در: www.stnews.ir، ۹۶/۶/۱۲).

۲- انقلاب اسلامی مقدمه جمهوری اسلامی: از این منظر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی از یکدیگر جدا نیستند و به مثابه مقدمه و ذی‌المقدمه هستند. به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی مقدمه جمهوری اسلامی به عنوان ذی‌المقدمه است و بین این دو رابطه رفت و برگشت وجود دارد. بدین معنا که انقلاب اسلامی یک توافق جمعی بر نحوه فهم از دین، دینداری، مردم، حکومت، عدالت و نظایر آنها است که باید مبنای حل مسائل جمهوری اسلامی و تعیین راهبردهای آن باشد. بدین منظور، جمهوری اسلامی برای به اجرا درآوردن این توافق عمومی تأسیس شد. در جمهوری اسلامی می‌توان روش‌های تحقق آن توافق عمومی را بهبود بخشید و یا با روش‌های تازه جایگزین نمود اما نمی‌توان خود آن توافق عمومی را تعویض و جابه‌جا کرد. بنابراین، انقلاب اسلامی نه تنها هویت‌بخش جمهوری اسلامی است بلکه به مثابه خمره معرفتی برای جمهوری اسلامی عمل می‌کند که برای حل مسائل باید به آن مراجعه کرد. زنده‌بودن انقلاب اسلامی نیز به همین دلیل یعنی به واسطه رجوع به آن برای حل مسائل مبتلابه جمهوری اسلامی است. از سوی دیگر، مقدمه بودن انقلاب اسلامی به این معناست که جمهوری اسلامی در اینجا نه فقط یک نظام سیاسی بلکه آرمانی است که اکنون امکان تحقق یافته است و لذا آنچه اصل است،

تلاش برای تحقق این آرمان می‌باشد. آرمان حکومت عدل، پیوند یافتن جمهوریت و اسلامیت و... که تحقق کامل آن با ظهور منجی کامل می‌شود. منطوق این عبارت به این معناست که انقلاب اسلامی مراحل یا گام‌های بعدی ندارد. در طول این سال‌ها جمهوری اسلامی گاهی به انقلاب اسلامی نزدیک‌تر و گاهی نیز دورتر شده است (زائری در: www.namehnews.ir، ۹۲/۹/۲۲).

۳- همزیستی بین انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی: بر اساس این دیدگاه، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی از یکدیگر جدا نیستند و رهبران انقلاب، رسالت خود را با تشکیل نظام جمهوری اسلامی پایان یافته تلقی نکرده‌اند. بر اساس این قرأت، نظریه جایگزینی نظام به جای انقلاب در انقلاب اسلامی مصداق پیدا نکرده بلکه این دو پدیده، نوعی همزیستی را با یکدیگر ادامه داده‌اند. در عین اینکه جمهوری اسلامی که یک نظام سیاسی بوده و اداره کشور را به عهده دارد، تأسیس و قوام یافته است، رهبران انقلاب موقّق شدند شرایط انقلابی را به موازات شکل‌گیری نظام همچنان حفظ نمایند. بر اساس این دیدگاه، واژگونی نظام پهلوی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی هدف نهایی نبوده بلکه فتح اولین سنگری بوده که خود، سنگ‌بنای فتح سنگرهای دیگر شده است. تدوین‌کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به این نکته مهم و اساسی توجه داشته و در مقدمه و بسیاری از اصول آن به رسالت جهانی انقلاب پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، در مقدمه قانون اساسی آمده «قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۹۵، مقدمه).

ب- مبانی و خاستگاه هستی‌شناختی و انسان‌شناختی دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

در این قسمت، مبانی و اصول هستی‌شناختی و انسان‌شناختی دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مد نظر قرار می‌گیرد. از آنجا که امام خامنه‌ای، عالم و فقیه‌ی دینی هستند، نگاه ایشان منبعث از هستی‌شناختی و انسان‌شناختی توحیدی قابل تبیین خواهد بود. بر این اساس، هستی، مجموعه‌ای قانونمند، منظم، هدفدار و آفریده‌ی خدای حکیم بوده که دارای مبدأ و معاد است. در نگاه توحیدی مقام معظم رهبری، افق بشری به جهان مادی و محسوسات محدود نبوده و در آن به عالم غیب که برتر و بالاتر از جهان محسوس است، اعتقاد

وجود دارد. از این دیدگاه، جهان مادی، جهانی گذرا و موقت و عرصه آزمایش و امتحان است. خداوند حکیم، جهان را برای غایتی که قرب الهی باشد، آفریده است. از اینجا مفهوم معاد و آخرت و همراه آنها قیامت و حیات اخروی و جاویدان پدیدار می شود. از این منظر، آغاز و انجامی برای کائنات و عالم هستی باید متصور بود و خالق حکیم که آن را خلق و هدایت می کند و هیچ چیز در جهان، باطل آفریده نشده و برای هر مخلوق و حتی حادثه‌ای، حکمت و دلیلی وجود دارد.

یکی از نکات مهمی که ذیل بحث هستی‌شناختی دیدگاه مقام معظم رهبری می‌بایست مدنظر قرار گیرد، نگاه سیرورتی ایشان است. بدین معنا که در بعد هستی‌شناسی، جهان و انسان یکپارچه در سیلان، حرکت و سیرورت دائم به سمت تکامل است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>). این نگاه برگرفته از مکتب اسلام است که تحول و تغییر را جزء جدایی‌ناپذیر و سنت لایتغیر عالم هستی و انسان می‌داند. این تحول و سیرورت دائم، ماهیتی تکاملی و در جهت حاکمیت حق است (نور: ۴۲).

متأثر از هستی‌شناسی امام خامنه‌ای، انسان‌شناسی ایشان نیز تعریف می‌شود. بدین معنا، نگاه ایشان به ماهیت انسان، ابعاد وجودی و نیز دامنه‌ی حیات و زندگانی او به جایگاه کلی او در هستی مرتبط می‌شود زیرا در این نگاه، انسان آفریده‌ی خداوند و دارای دو بُعد مُلکی و ملکوتی در نظر گرفته می‌شود که به دلیل برخورداری از قوه‌ی ناطقه و عقل، می‌تواند ببیند و از سوی با توجه به برخورداری از آزادی، می‌تواند تصمیم بگیرد و راه خویش را برگزیند. از سوی دیگر تمام هستی نیز خادم انسان برای رسیدن به کمال الهی که همان قرب الهی است، تلقی می‌شود. امام خامنه‌ای در کتاب/ *از ژرفای نماز* در مورد انسان چنین می‌نویسند:

آفریده بودن انسان و اعتقاد به اینکه دست قدرتمند و باحکمتی او را پدید آورده، لزوماً بدین معنی است که از آفرینش او و برای بودن او هدف و مقصودی وجود داشته است. این هدف را می‌توان «پیمودن راهی برای رسیدن به سرمنزلی» دانست. پیمودن راهی بر طبق نقشه‌ای دقیق و با وسیله‌های معین و در نهایت، رسیدن به آن سرمنزل مقصود... آن هدف، تعالی و تکامل بی‌پایان انسان و بازگشت به خدا و بروز خصلت‌های نیک و انرژی‌ها و استعداد‌های نهانی انسان و بکار افتادن این همه در راه نیکی و نیک‌سازی خود و جهان انسان‌هاست (خامنه‌ای، ۱۳۶۹: ۱).

ج- تحلیل محتوای بیانات امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

در این قسمت، بیانات و فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) که با موضوع پژوهش مرتبط می‌باشد مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. از آن جایی که درج کلیه فرمایشات معظم‌له، مقاله را بیش از اندازه طولانی خواهد نمود؛ لذا به منظور رعایت اختصار، نمونه‌هایی از فرمایشات ایشان در سه مقوله تعریف انقلاب، چستی انقلاب اسلامی و نسبت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ذکر می‌گردد و سپس جمع‌بندی نهایی ارائه می‌گردد.

۱- جدول تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

ردیف	مقوله	عبارت	مفهوم/مضمون
۱-	تعریف انقلاب	انقلاب، یعنی تغییر بنیادین همه نهادهای اصلی زندگی جامعه، تغییر بنیادین آنچه غلط و کج و نابجاست به آنچه صحیح و مستقیم و به‌جاست (۸۱/۱۱/۱۵).	انقلاب، تغییری بنیادین و ساختاری و دارای ماهیت مثبت و سازنده است.
۲-	تعریف انقلاب	انقلاب، تغییردهنده است دگرگون‌کننده است. این دگرگون‌سازی فقط در سطح مناسبات اجتماعی نیست بلکه در درجه اول در لایه درون انسان‌ها و ذهنیت‌هاست. اولین تغییر اینجا داده می‌شود. در دل‌ها (۸۷/۷/۷).	شروع تغییر و انقلاب از ذهن و دل انسان است.
۳-	تعریف انقلاب	وقتی انقلاب‌ها پیش می‌آیند، هر کسی که در دلش امیدی هست، آرزویی هست، یک ایده‌ی بلندی در او وجود دارد و از وضع موجود محیط خود و نظام خود ناراحت است، خوشحال می‌شود (۹۰/۳/۳).	انقلاب، امیدبخش است.
۴-	تعریف انقلاب	انقلاب البته برای عده‌ای مثبت و برای عده‌ای منفی است. انقلاب برای ملتی که با نفی و طرد وضع موجود در پی این است که خود را به رستگاری حقیقی و به سعادت برساند و برخوردار از تعالی و تکامل مادی و معنوی باشد، امری مثبت است اما برای کسانی که سال‌های متمادی بر یک کشور پنجه انداخته‌اند بزرگ‌ترین بلاست. برای آنها منفی‌تر از انقلاب، هیچ چیزی نیست (۷۸/۶/۲۴).	انقلاب عرصه تضاد و تقابل جبهه حق و باطل است. انقلاب امری مثبت و در مسیر تکاملی جامعه است.

<p>انقلاب مستلزم در نظر داشتن اهداف آرمانی و حرکت به سوی آن است.</p>	<p>انقلاب، یعنی یک هدف‌های والایی را در نظر گرفتن و به سوی آنها حرکت کردن؛ اگر این هدف‌ها فراموش کردیم، دیگر انقلاب نیست (۹۶/۱۱/۲۹).</p>	<p>تعریف انقلاب</p>	<p>۵-</p>
<p>خاصیت الهام‌بخشی و انتشار مفاهیم انقلاب</p>	<p>بارها گفتیم، مفاهیم انقلاب و مفاهیم اسلام، مثل عطر گل‌های بهاری است؛ هیچ کسی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد؛ پخش می‌شود، همه جا می‌رود؛ نسیم روح افزا و روان‌بخشی است که همه جا را به خودی خود می‌گیرد (۹۳/۹/۶).</p>	<p>تعریف انقلاب</p>	<p>۶-</p>
<p>ماهیت دگرگون‌ساز و اعجازگون انقلاب</p>	<p>انقلاب مثل یک کوره‌گدازنده است. تغییردهنده و شکل و نظم عناصر موجودات است. انقلاب یک چنین حالتی است مثل آنچه که قدیمی‌ها می‌گفتند اکسیر، کیمیا که عنصر مس را به عنصر طلا تبدیل می‌کند (۸۷/۷/۷).</p>	<p>تعریف انقلاب</p>	<p>۷-</p>
<p>اصلاح و پیشرفت، ذاتی انقلاب است.</p>	<p>خود انقلاب بزرگ‌ترین اصلاح است. تداوم اصلاحات در ذات و هویت انقلاب نهفته است. یک ملت انقلابی، هوشیار و شجاع به طور دائم نگاه می‌کند تا ببیند فسادهایی که در طول زمان در اثر غفلت‌ها و سوء مدیریت‌ها و سوء تدبیرها و تجاوزها به وجود آمده، کدام است تا آنها را اصلاح نماید (۷۹/۱/۲۶).</p>	<p>تعریف انقلاب</p>	<p>۸-</p>
<p>تحول حقیقی جامعه، لازمه انقلاب است.</p>	<p>مسئله اساسی، انقلاب است. یعنی تحول حقیقی در ارکان و بنیادها و زیرساخت‌های جامعه در جهت ایجاد عدالت، ایجاد آزادی، ارتقای فکری و علمی و خلاصه بارور شدن شخصیت انسانی (۸۷/۱۱/۷).</p>	<p>تعریف انقلاب</p>	<p>۹-</p>

<p>انقلاب، زنده و پویاست و تداوم دارد. انقلاب، حرکتی مستمر است.</p>	<p>انقلاب یک حرف و حرکت دفعی نیست. یک حرکت مستمر است و اقتضائاتش در زمان‌های مختلف، متفاوت است. کسانی که با انقلاب دشمنی می‌کنند با آنچه در بهمن ۵۷ اتفاق افتاد دشمن نیستند، آنچه گذشت و رفت. آنها با یک موجود زنده‌حی و حاضر دشمن و مخالفند. پس انقلاب، تداوم و حضور دارد، انقلاب زنده و پویاست (۸۱/۱۲).</p>	<p>چستی انقلاب اسلامی</p>	<p>۱۰-</p>
<p>انقلاب، پیش‌رونده و پیش‌برنده است.</p>	<p>انقلاب پیش‌رونده و پیش‌برنده است. حفظ انقلاب یعنی حفظ همین حالت پیش‌روندگی و پیش‌برندگی (۱۳۹۰/۴/۱۳).</p>	<p>چستی انقلاب اسلامی</p>	<p>۱۱-</p>
<p>تحقق کامل انقلاب، زمان‌بر است. انقلاب مستلزم تحوّل مداوم بر پایه ارزش‌های جامعه است.</p>	<p>انقلاب یک امر دفعی نیست، یک امر تدریجی است. یک مرحله‌ی انقلاب که تغییر نظام سیاسی است، دفعی است اما در طول زمان انقلاب باید تحقق پیدا کند. این تحقق به آن است که آن بخش‌هایی که عقب مانده و تحوّل پیدا نکرده است، تحوّل پیدا کند و روز به روز راه‌های جدید، کارهای جدید، فکرهای جدید و روش‌های جدید در چارچوب و بر پایه آن ارزش‌ها در جامعه به وجود بیاید و پیش‌برود (۷۷/۱۱/۱۳).</p>	<p>چستی انقلاب اسلامی</p>	<p>۱۲-</p>
<p>انقلاب مانند موجود زنده است.</p>	<p>انقلاب یک موجود زنده است؛ این‌هایی که خیال می‌کنند انقلاب یک جرّقه بود، زد و تمام شد، از شناخت حقیقت انقلاب خیلی دورند. ... انقلاب چون موجود زنده است، پس افزایش دارد، رشد دارد، قوام‌یافتگی و کمال یافتگی برای آن وجود دارد (۹۶/۱۱/۱۹).</p>	<p>چستی انقلاب اسلامی</p>	<p>۱۳-</p>
<p>آرمان‌های عالی و اصول انقلاب، تغییرناپذیرند. ابزارها و روش‌ها تغییر می‌کنند.</p>	<p>کاری که انقلاب در آغاز انجام می‌دهد، ترسیم آرمان‌ها است؛ آرمان‌ها را ترسیم می‌کند. البته آرمان‌های عالی، تغییرناپذیرند؛ وسایل تغییرپذیر است (۹۴/۶/۲۵).</p>	<p>چستی انقلاب اسلامی</p>	<p>۱۴-</p>

<p>حیات طیبه، آرمان و غایت انقلاب است.</p>	<p>حالا آرمان را ما اگر بخواهیم در یک کلمه بگوییم و یک تعبیر قرآنی برایش بیاوریم، «حیات طیبه» است که: <i>فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوَهٗ طَيِّبَهٗ (۱) اِسْتَجِیْبُوْا لِلّٰهِ وَ لِلرَّسُوْلِ اِذَا دَعَاكُمْ لِما یَحِیْیْکُمْ (۲) شما را زنده کند (۹۴/۶/۲۵).</i></p>	<p>چیستی انقلاب اسلامی</p>	<p>۱۵-</p>
<p>رسیدن به اهداف انقلاب، نیازمند تلاش و مجاهدت است.</p>	<p>این انقلاب آمد، ...ما در صراط مستقیم قرار گرفتیم. البته صراط مستقیم، ما را به هدف خواهد رساند؛ اما کی؟ در چه مدت؟ با چه تلاش و مجاهدتی؟ این بستگی دارد به اینکه من و شما چقدر تلاش کنیم، چقدر جدی بگیریم، چقدر در ست حرکت کنیم؛ این به همت ما بسته است (۹۲/۳/۶).</p>	<p>چیستی انقلاب اسلامی</p>	<p>۱۶-</p>
<p>تحوّل در چارچوب ارزش ها، موجب کامل شدن انقلاب و به روز شدن آن است.</p>	<p>اساس همان ارزش هاست. در چارچوب همان ارزش ها پیش بروند و تحولات را به وجود آورند. آن وقت انقلاب یک انقلاب کامل و روز به روز می شود و تمام شدنی هم نیست. این تکامل، تمام شدنی هم نیست (۷۹/۲/۲۳).</p>	<p>چیستی انقلاب اسلامی</p>	<p>۱۷-</p>
<p>جامع الاطراف بودن ابعاد انقلاب</p>	<p>این طور نباشد که یکی به استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی توجّه کند اما به دین داری توجّه نکند یا به دین داری توجّه کند اما به آزادی فکر توجّه نکند... اگر این طور باشد، کار ناقص انجام می گیرد (۷۹/۲/۲۳).</p>	<p>چیستی انقلاب اسلامی</p>	<p>۱۸-</p>
<p>انقلاب اسلامی ماهیتی دینی و مردمی دارد.</p>	<p>خصوصیت اول اینکه مبنای این انقلاب، ارزش های دینی اخلاقی و معنوی بود و خصوصیت دیگر اینکه، انقلاب بر پایه اراده و خواست مردم در تشکیل و اداره حکومت باقی ماند (۶۸/۱۱/۲۰).</p>	<p>چیستی انقلاب اسلامی</p>	<p>۱۹-</p>
<p>رویش و بالندگی انقلاب متکی به نظم و قانون- مندی آن است.</p>	<p>برخلاف عده ای که القاء می کنند انقلاب یعنی آشفتگی، سردرگمی... انضباط انقلابی برترین و قوی ترین انضباط ها ست. بی نظمی که اول انقلاب دیده می شود به خاطر این است که بنای غلط و کج و پوسیده ای وجود دارد که باید آن را به هم ریخت و بنای نویی گذاشت. انقلاب یعنی سازندگی، یعنی رویش و بالندگی و رویش و</p>	<p>چیستی انقلاب اسلامی</p>	<p>۲۰-</p>

	بالندگی بدون انضباط قانون و نظم ممکن نیست (۸۳/۴/۱).		
۲۱-	هیچ کس، هیچ قشری، هیچ فردی نمی‌تواند و نباید مالکیت این انقلاب را بکند (۸۷/۳/۱۴).	چستی انقلاب اسلامی	انقلاب متعلق به مردم است.
۲۲-	پیام این انقلاب، پیامی است که نمی‌توانست در مرزهای ایران منحصر بماند. (این پیام) مقابله با نظام سلطه است. نظام سلطه، نظام تقسیم دنیا به ظالم و مظلوم است. منطق انقلاب که منطق اسلام است، «لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹) است (۹۲/۶/۲۶).	چستی انقلاب اسلامی	پیام انقلاب اسلامی فرامرزى و مقابله با نظام سلطه است.
۲۳-	در جامعه اسلامی دائماً باید صیرورت و تحول وجود داشته باشد (۷۰/۱۲/۱۲).	چستی انقلاب اسلامی	صیرورت دائم و تحول همیشگی، از ویژگی‌های اصلى انقلاب است.
۲۴-	انقلاب ادامه دارد. اینکه بعضی‌ها این جور بگویند که انقلاب حادثه‌ای بود و تمام شد و حالا برگردیم به زندگی عادی، این خیانت به انقلاب است. انقلاب تمام نمی‌شود (۹۶/۶/۶).	چستی انقلاب اسلامی	انقلاب یک واقعه نیست و ماهیتی مستمر دارد.
۲۵-	انقلاب هنجارهای گذشته را به هم می‌ریزد؛ هنجارهای جدیدی به وجود می‌آورد. حفظ این هنجارهای جدید تداوم است (۹۶/۶/۶).	چستی انقلاب اسلامی	حفظ هنجارهای انقلاب، مستلزم تداوم آن است.
۲۶-	اگر انقلاب مبارزه لازم داشت تا به پیروزی برسد، امروز هم مبارزه لازم است تا بتوانیم هنجارهای انقلابی را تثبیت کنیم و به نتیجه برسایم تا جامعه جامعه اسلامی بشود (۹۶/۶/۶).	چستی انقلاب اسلامی	تشبیت هنجارهای انقلاب اسلامی، نیازمند مبارزه است.
۲۷-	ما جامعه اسلامی نداریم، ما دولت اسلامی هم نداریم، ما توانستیم یک انقلاب اسلامی یعنی یک حرکت انقلابی به وجود بیاوریم. توانستیم بر اساس آن یک نظام اسلامی به وجود بیاوریم تا اینجاها توفیق حاصل شده است و خیلی هم مهم است لکن بعد از این ایجاد یک دولت	چستی انقلاب اسلامی	انقلاب اسلامی ویژگی فرآیندی دارد و مرحله- ای از مراحل تحقق اهداف اسلامی است.

	<p>اسلامی و ایجاد یک تشکیلات مدیریتی اسلامی برای یک کشور است (۹۶/۶/۶).</p>		
<p>بین انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی نوعی همزیستی به مثابه روح و جسم وجود دارد.</p>	<p>نظام جمهوری اسلامی یک ساخت حقوقی و رسمی دارد که آن قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، انتخابات همین چیزهایی که مشاهده می‌کنید است، که البته حفظ این‌ها لازم و واجب است؛ اما کافی نیست. همیشه در دل ساخت حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی در حکم جسم است؛ در حکم قالب است، آن هویت حقیقی در حکم روح است؛ در حکم معنا و مضمون است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، و لو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده‌ای خواهد داشت، نه دوامی خواهد داشت (۸۷/۹/۲۴).</p>	<p>نسبت انقلاب اسلامی با جمهوری اسلامی</p>	<p>۲۸-</p>
<p>ساخت حقیقی همان آرمان‌های جمهوری اسلامی است.</p>	<p>آن ساخت حقیقی و واقعی و درونی، مهم است؛ او در حکم روح این جسم است. آن ساخت درونی چیست؟ همان آرمان‌های جمهوری اسلامی است: عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزش‌ها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن، این‌ها آن اجزاء ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است (۸۷/۹/۲۴).</p>	<p>نسبت انقلاب اسلامی با جمهوری اسلامی</p>	<p>۲۹-</p>
<p>عجین بودن انقلاب اسلامی با جمهوری اسلامی، انقلاب روحی در کالبد جمهوری است.</p>	<p>اگر فرض ما این است که جمهوری اسلامی را توأم و آمیخته با انقلاب اسلامی فهمیدیم و قبول کردیم پس بایستی فرض ما بر این باشد که دشمن و تهدید برای این انقلاب که مثل روح در کالبد این جمهوری وجود خواهد داشت، همواره متصور خواهد بود و نیرویی که از انقلاب باید دفاع کند، همیشه لازم است (۶۸/۴/۱۹).</p>	<p>نسبت انقلاب اسلامی با جمهوری اسلامی</p>	<p>۳۰-</p>
<p>تهی شدن ج.ا.ا از آرمان‌های انقلاب، به</p>	<p>همه بدانند که امروز دشمنان جمهوری اسلامی... سعی‌شان این است... جمهوری اسلامی اسمش جمهوری</p>	<p>نسبت انقلاب اسلامی با</p>	<p>۳۱-</p>

معنای زوال و نابودی آن است.	اسلامی با شد اسمش نظام انقلابی با شد، اما از محتوای انقلاب در آن خبری نباشد (۸۷/۱۱/۲۸).	جمهوری اسلامی	
اصل بر این است که شاخص‌های انقلابی وجود داشته باشد.	انقلاب و انقلابی‌گری برای همه دوران‌هاست و انقلاب یک رود جاری است و همه کسانی که بر اساس شاخص‌های انقلابی‌گری عمل کنند، انقلابی هستند (۹۵/۳/۱۴).	نسبت انقلاب اسلامی با جمهوری اسلامی	۳۱-

۲- تحلیل بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

هر پدیده‌ای از جمله انقلاب دارای دو شأن یا حیثیت وجودی و ماهیتی است. وجه اشتراک همه اشیا، وجود و وجه اختصاص آنها یعنی ماهیت است. در مسئله وجود یا اصل انقلاب در میان صاحب‌نظران اشتراک نظر وجود دارد اما مسئله ماهیت و چستی انقلاب همواره مورد مناقشه بوده و درباره آن اختلاف نظر وجود دارد. مرور بیانات مقام معظم رهبری مندرج در جدول بالا نشان می‌دهد، نگاه ایشان به مقوله چستی انقلاب اسلامی و به تبع آن نسبت آن با جمهوری اسلامی، از مبانی و آموزه‌های مکتب اسلام به شرح ذیل نشات گرفته است:

۱- تک‌ساحتی نبودن عالم و انسان

برخلاف مکاتبی که جهان و انسان را موجوداتی تک‌ساحتی و تک‌بعدی تلقی کرده و عالم و انسان را یا منحصر در بعد جسمانی و مادی تلقی نموده و یا ماسوای روح و جان مطلق را برای هیچ وجودی در نظر نمی‌گیرند، در مکتب اسلام، جهان به عرصه محسوسات محدود نبوده و انسان دارای دو بعد جسمانی و روحانی می‌باشد.

۲- غایت‌طلبی و هدفداری هستی و انسان

در مکتب اسلام، غایت‌طلبی و هدفداری مقوله‌ای است که در بخش هستی‌شناسی و انسان‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است. از این منظر هستی دارای مبدأ و معاد بوده و انسان نیز موجودی غایت‌طلب و هدفدار است.

۳- تکامل‌پذیری و کمال‌طلبی انسان

از دیدگاه اسلام، انسان موجودی است که بالقوه می‌تواند به بالاترین مراتب کمال و درجات معنوی برسد. ضرورت ارسال رسل و انزال کتب نیز با همین تکامل‌پذیری و تکامل‌طلبی انسان مرتبط است.

۴- قانون‌مندی و نظم یافتگی جهان و انسان

جهان هستی پدیده‌ای منظم است که توسط ناظمی حکیم اداره می‌شود که از روی علم و آگاهی، اجزای این پدیده منظم را برای وصول به هدف مشخصی کنار هم قرار داده است. انسان به عنوان اشرف مخلوقات، کامل‌ترین تصویر از نظام هستی و تابع همان نظم و قانون‌مندی است. ۵- صیوروت دائم و تحول مستمر انسان و هستی از وضعیتی موجود به سمت وضعیتی مطلوب است. این انقلاب دائم از ابتدای خلقت آدم تاکنون ادامه داشته و قدم اول اصلاح و انقلاب را درون افراد می‌بیند. سرشت انسانی نه یکسره شر است و نه خیر، بلکه، انسان موجودی در میان خیر مطلق و شر مطلق شناخته می‌شود که با توجه به نوع تربیت خود در مسیر سعادت یا شقاوت قرار می‌گیرد. بر این اساس، تمام تحولات اجتماعی و سیاسی از جمله انقلاب‌ها تابع این نظم و اراده کلی حاکم بر نظام هستی است (سیاهپوش، ۱۳۹۶: ۱۴).

بر این اساس، اسلام دین توحید و پرستش خدای یگانه است و آن را همیشه با نفی ابتدایی شرک خواستار است. «فمن یکفر بالطاغوت و یومن بالله فقد استمسک بالعروه الوثقی» (بقره: ۲۵۶). اسلام تنها دین تسلیم و اطاعت محض نبوده بلکه عصیان نسبت به هواها، طاغوت‌ها و معبودهای غیر خدا را نیز خواستار است و بندگی خدا را جز با آزادی از غیر خدا میسر نمی‌داند. این آزادی از غیر خدا می‌بایست ابتدا از درون خود انسان آغاز شود و سپس در جامعه تسری یابد. بدین جهت از دیدگاه اسلام توبه، خود یک انقلاب محسوب شده که در آن مقامات و درجات عالی انسانی علیه مقامات دانی وجود او قیام می‌کنند (مطهری، ۱۳۹۷: ۱۶-۲۳). از این رو، بر اساس آموزه‌های دینی و قرآنی، انقلاب با تحوّل در درون انسان آغاز و با تسری در ساختار سیاسی اجتماعی جامعه، به کمال می‌رسد. منظور از کمال در مکتب اسلام، رسیدن فرد و جامعه به حیات طیبه است.

بر این مبنا، مقام معظم رهبری، ایمان بالله و کفر به طاغوت را توأمان و غیرقابل تفکیک دانسته (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>) و شروع تغییر و انقلاب را از ذهن و دل انسان‌ها معرفی می‌کنند. ایشان معتقدند انقلاب در درجه اول در لایه درون انسان‌ها

و دل‌ها رخ می‌دهد و این تغییر مقدمه دگرگون‌سازی در سطح مناسبات اجتماعی قرار می‌گیرد (http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3895). تغییر در سطح اجتماعی نیز، بنیادین، ساختاری و در همه ارکان و نهادهای اصلی زندگی در جامعه و به سوی حیات طیبه خواهد بود (http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791).

منظور از حیات طیبه نیز از دیدگاه معظم‌له مواردی است که بشر برای بهزیستی و سعادت خود به آنها احتیاج دارد. این موارد می‌تواند عزت ملی، استقلال، رفاه، عدالت، نشاط، شوق کار، علم، فناوری، نظم و در کنار اینها، معنویت، رحم، خلیات اسلامی، سبک زندگی اسلامی را در برگیرد (همان).

بنابراین، از نگاه مقام معظم رهبری، انقلاب صرفاً دگرگونی در هیأت حاکمه و یا شورش کردن و به خیابان ریختن و جنجال کردن نیست (http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7227) و از این جهت میان ماهیت انقلاب با سایر تحولات تفاوت وجود دارد. این دگرگونی از نظر رهبر معظم انقلاب، دارای ماهیت مثبت و سازنده بوده که می‌تواند موجب تکامل و تعالی یک ملت گردد (http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2968). چنین نگاهی در تعارض با دیدگاه‌هایی قرار دارد که انقلاب را پدیده‌ای منفی قلمداد نموده که حاصلی جز خشونت، بی‌نظمی در جامعه ندارد. از نظر مقام معظم رهبری، انقلاب مترادف سازندگی، رویش و بالندگی در جامعه است که بدون انضباط، نظم و قانون، رسیدن به اهداف آن ممکن نیست و اگر بی‌نظمی در اول انقلاب دیده می‌شد به دلیل به هم ریختن بنای غلط و پوسیده موجود بود که باید به هم ریخته می‌شد تا بنایی نو گذاشته شود (http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3236). در عین حال، ایجاد این نظم جدید و بنای نو به دلیل خاصیت الهام‌بخشی انقلاب و ماهیت ضد نظام سلطه آن، انواع چالش‌ها و تهدیدات را به همراه داشته و دارد (http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24033). به عبارت دیگر، انقلاب عرصه تضاد و تقابل جبهه حق و باطل بوده و پیروزی جبهه حق بر باطل و رسیدن به حیات طیبه به عنوان آرمان و غایت انقلاب، نیازمند تلاش، مجاهدت، مبارزه، صبر و تقوا خواهد بود (http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791).

بنابراین از دیدگاه مقام معظم رهبری، انقلاب تمام نشده و ادامه خواهد داشت.

ایشان در این باره می‌فرمایند:

انقلاب یک امر مستمر است، یک امر دفعی نیست که بگوییم در تاریخ فلان مثلاً یک حادثه‌ای اتفاق افتاد... و حکومت سرنگون شد...، نه این انقلاب نیست. این یک بخشی از انقلاب است. انقلاب یک حقیقت ماندگار و حقیقت دائمی است. انقلاب یعنی دگرگونی، دگرگونی‌های عمیق در ظرف شش ماه و یک سال و پنج سال به وجود نمی‌آید. علاوه بر اینکه اصلاً دگرگونی و صیروت - یعنی حالی به حالی شدن، تحوّل - اصلاً حد یقف ندارد و هیچ وقت تمام نمی‌شود... این حرکت به سمت حیات طیّبه تمام نشدنی است. اَلَا الی الله تصیرالامور، این همان صیروت به سمت خداست. صیروت یعنی حالی به حالی شدن، چیزی در باطن ذات خود تغییر ایجاد کند و روز به روز بهتر بشود، این را می‌گویند صیروت، بشر به سمت خدا صیروت دارد و جامعه مطلوب اسلامی آن است که این صیروت در آن وجود داشته باشد، این صیروت تمام نشدنی است، همین طور به طور دائم ادامه دارد، انقلاب این است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>).

این فراز از فرمایشات معظّم‌له که در سایر سخنرانی‌های ایشان نیز با عبارات مشابه مورد تأکید قرار گرفته (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37528>) نشان از نگاه صیرورتی امام خامنه‌ای به پدیده انقلاب اسلامی و قائل بودن ایشان به ماهیت تکاملی آن دارد. این دیدگاه متأثر از نگاه حکمای اسلامی در موضوع حرکت و صیروت بوده و ضمن تمیز چیستی انقلاب اسلامی از سایر دیدگاه‌ها، در بیان نسبت انقلاب اسلامی با جمهوری اسلامی نیز راه‌گشا خواهد بود. حکمای اسلامی، حرکت را خروج شیء از قوه به فعلیت می‌دانند. بدین معنا که هر وجودی، از قوا و استعدادهایی برخوردار است که به مراحل شکوفا شدن آنها، حرکت می‌گویند. در این پیوند، اگر موجودی از قوه به فعل تبدیل شد، از نقص به سوی کمال حرکت می‌کند. هرچه قوای یک وجود بهتر به فعلیت برسد، بهتر به کمال خود دست یافته است. از عوامل مؤثر در حرکت، علّت فاعلی و علّت غایی است که اولی ایجاد حرکت نموده و دیگری هدف از حرکت را مشخص می‌کند. در واقع، علت فاعلی، غایتی را در حرکت در نظر دارد که متحرک را برای رسیدن به آن مقصد به حرکت وامی‌دارد. هرچه علّت فاعلی، حکیم‌تر، داناتر و برتر باشد، غایتی که برای حرکت در نظر می‌گیرد، بالاتر و بهتر خواهد بود.

لذا براساس آیه شریفه «انا لله و انا الیه راجعون» (بقره: ۱۵۶) وقتی علّت فاعلی، حضرت حق است، غایت برتر خود خدا خواهد بود و رجعت این حرکت باید به لقای حق برسد. در نظام تکوین و هستی عالم، سرانجام این سیر و حرکت به سوی خداست اما در نظام تشریح، اراده و اختیار

انسان در نحوه سیر و حرکت در صورت دخالت می‌کند. بر اساس آیه شریفه «وَلِلَّهِ الْمُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (نور: ۴۲) هرچه در عالم ماده و مافوق ماده است، همه در ید قدرت پروردگار است و همه در حال گردیدن و شدن به سوی خدایند. بر این مبنا، هرچه در این عالم وجود دارد، حرکتی می‌کنند که یک شدنی به همراه دارد. به گونه‌ای که اگر مطابق امر خدا باشد، این صورت، الهی بوده و با تبدیل شدن در نظام طولی به مراحل بالاتر، همنشینی با اولیای الهی را موجب خواهد شد (نعم‌المصیر) و در غیر این صورت، این سیر نزولی شده و به جای همنشینی با اولیای الهی، همنشینی با اولیای شیطان نصیب خواهد شد (بئس‌المصیر).

از سوی دیگر، مبتنی بر حکمت متعالیه، عالم دارای جلوه جوهری و عرضی است و حرکت و تغییر جوهری به عنوان یک اصل هستی‌شناختی است. حرکت جوهری به این معناست که موجودات با کسب مراتب وجودی جدید، مدام صورت عوض می‌کنند و چیز جدیدی می‌شوند. این سیلان، یک امر عارضی نیست، بلکه از وجوه هستی‌شناختی و جزء ذات موجودات است (کریمی و خان‌محمدی، ۱۳۹۳: ۹۰). جوهر عالم مادی مدام در حال دگرگونی و تبدیل از قوه به فعل است؛ وضعیتی نفی می‌شود و وضعیتی جدیدی حاکم می‌گردد؛ هر وضعیتی بالفعلی، بالقوه است؛ به تعبیری هر اثباتی در فرآیند حرکت هویت نفی‌گونه دارد؛ با نفی وضعیتهای جاری که از یک حیث بالفعل و از حیث دیگر بالقوه است، صورتهای آتی فرصت بروز و تحقق می‌یابد (الشیرازی، ۱۳۴۰: ۹۴-۹۵). موجود در طی حرکت، هیچ چیزی از دست نمی‌دهد بلکه به مرتبه وجودی قوی‌تر دست می‌یابد و با حفظ مرتبه پیشین، مراتب بعدی را یکی پس از دیگری طی می‌کند.

بنابراین نوعی رابطه تکاملی در حرکت عالم، انسان و جامعه وجود دارد که منجر به نفی و اثبات دائم می‌گردد. اثبات به این معنی که وضع کنونی از وضع پیشین بهتر و متکامل‌تر است و نفی به این معنا که توقف معنا ندارد و هنوز امکان پیشرفت است.

با چنین چارچوبی می‌توان گفت انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری یک فرآیند مستمر است که برای رسیدن به سعادت نهایی، منزل‌هایی در مسیر می‌بیند که رسیدن به هر منزل یک توفیق است اما این منزل ایستگاه نهایی نیست بلکه محلی برای تأمین قوا برای حرکت به سوی منازل دیگر می‌باشد (سیاهپوش، ۱۳۹۶: ۲۶). در این فرآیند لازم است مراحل طی شود که از سرنگونی رژیم طاغوت آغاز شده و به ایجاد ساختار، تشکیل دولت اسلامی، جامعه اسلامی و نهایتاً ایجاد

تمدن نوین اسلامی و حیات طیبه منتهی خواهد شد. در این بین، انقلاب از ابتدایی‌ترین مرحله تا مرحله پایانی ساری و جاری خواهد بود (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10881>). در این پیوند، در بیان نسبت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی می‌توان گفت، از نگاه امام خامنه‌ای، انقلاب اسلامی از جمهوری اسلامی که در مرحله دوم فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی قرار دارد، جدا نیست و انقلاب حرکتی رو به جلو، تحوّل و مستمر است که با پیروزی‌اش پایان نیافته و در قالب نظام جمهوری اسلامی به حیات خود ادامه می‌دهد. قانون اساسی نیز در مقدمه و در اصول مختلف خود روح حاکم بر نظام را مورد توجه قرار می‌دهد. خاستگاه این نگاه نیز ذیل آموزه‌های مکتب اسلام که جهان و انسان را به عرصه محسوسات محدود ندانسته تعریف می‌شود. از این منظر، همانطور که انسان دارای دو بعد جسمانی و روحانی می‌باشد و در بعد نفسانی و روحانی انسان صیوروت رخ می‌دهد، انقلاب اسلامی نیز مثل روح در کالبد جمهوری اسلامی جاری بوده و از صیوروت برخوردار خواهد بود (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2135>).
مقام معظم رهبری در این ارتباط می‌فرمایند:

حرف‌هایی یک عده می‌زنند که بله انقلاب تمام شد... بعضی‌های دیگر هم هستند... در پوشش این حرف را می‌زنند که معنایش تبدیل انقلاب به جمهوری اسلامی است. اصلاً قابل تبدیل نیست. جمهوری اسلامی باید مظهر انقلاب باشد. یعنی همان حالت تجدیدپذیری، همان حالت تحول دائمی، همان حالت باید در جمهوری اسلامی باشد و اِلّا جمهوری اسلامی نیست، انقلاب یک امر مستمر است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>).

از نظر رهبر معظم انقلاب، نظام جمهوری اسلامی دارای یک ساخت حقوقی و در حکم جسم نظام است و یک ساخت حقیقی که در حکم روح، معنا و مضمون می‌باشد. در این میان آنچه مهم‌تر است، ساخت حقیقی و درونی است که همان آرمان‌های جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، و لو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده‌ای خواهد داشت، نه دوامی خواهد داشت (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4992>).

بنابراین از دیدگاه مقام معظم رهبری، صیوروت دائم و تحوّل همیشگی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی بوده و رابطه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی به مثابه رابطه روح و جسم ادامه می‌یابد. بر این اساس، تقلیل انقلاب اسلامی به جمهوری اسلامی، هویت‌زدایی و تهی شدن ج.ا.ا. از آرمان‌های انقلاب به معنای زوال و نابودی آن تلقی می‌شود. به گونه‌ای که موجب می‌شود ماهیت حقیقی

جمهوری اسلامی به تدریج از بین رفته اگر چه به ظاهر ماهیت حقوقی و ساختارهای آن کماکان وجود داشته باشد.

نتیجه

هدف نهایی انقلاب اسلامی، رسیدن به حیات طیبه و ایجاد تمدن نوین اسلامی در فرآیندی منطقی و مستمر است. تحقق این هدف مهم، مستلزم شناخت عالمانه ماهیت و چیستی انقلاب اسلامی و نسبت‌سنجی آن با جمهوری اسلامی می‌باشد. برخی با تعریف و نگاه مضیقی که از انقلاب اسلامی ارائه می‌کنند، معتقدند انقلاب اسلامی پس از پیروزی، به پایان خود رسیده و زمانی که نظام جدید استقرار یافت، انقلاب به نظام تبدیل شده است. قائلان به این دیدگاه، با این مدعا که اصل بر نظم و ثبات است، انقلاب را استثنایی بین دو نظم دانسته که با فروپاشی نظم پیشین و استقرار نظم جدید پایان می‌یابد. از این رو نظم جدید حداکثر حاصل انقلاب است اما نمی‌تواند انقلابی باشد و نظام انقلابی منطقی متناقض و عملاً ترکیبی خودشکننده است. مقاله حاضر در پی تبیین این مسئله (نسبت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی) از دیدگاه مقام معظم رهبری برآمد. نتایج حاصل از تحقیق که پس از بررسی دیدگاه‌های موجود، مبانی فلسفی و تحلیل محتوای بیانات امام‌خامنه‌ای به دست آمد نشان داد که از دیدگاه ایشان انقلاب اسلامی حرکتی مستمر، بالنده و پیش‌رونده با مجموعه‌ای از آرمان‌ها و ارزش‌های والای اسلامی و انسانی است که در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و دفاعی تبلور و عینیت یافته و از جمهوری اسلامی جدا نبوده و بین این دو رابطه همزیستی از نوع روح و جسم وجود دارد.

مقام معظم رهبری، انقلاب را یک حادثه محدود به گذشته نمی‌دانند و آن را به حال و آینده تسری می‌دهند. این تسری بخشی به دلیل ماهیت تکاملی انقلاب است، به این معنی که در مسیر رسیدن به اهداف غایی، توقف معنا ندارد و وضع کنونی می‌بایست از وضع پیشین بهتر و متکامل‌تر گردد. به عبارت دیگر، از دیدگاه ایشان، بی‌نظمی، منطقی و ماهیت انقلاب نیست بلکه انقلاب اسلامی پس از عبور از وضعیت گذشته در قالب ایجاد ساختارهای مبتنی بر اندیشه، عقلانیت و روحیه انقلابی، آرمان‌ها و اصول خود را حفظ می‌کند و تا رسیدن به حیات طیبه به آن توسعه و تعمیق می‌بخشد.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- آرنت، هانا (۱۳۸۱)، *انقلاب*، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: انتشارات خوارزمی.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۴)، «جهانی شدن، حاکمیت ملی و جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۳۶.
- سیاهپوش، امیر و مصطفی ملکوتیان (۱۳۹۶)، «چیستی انقلاب از منظر آیت‌الله خامنه‌ای»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال چهاردهم، شماره ۴۹.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۲)، «بررسی نظریات انقلاب در انقلاب اسلامی و رابطه آن با جمهوری اسلامی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۱.
- ردادی، محسن، «نسبت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی»، در: www.stnews.ir.
- زائری، قاسم، «نسبت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی چهار روایت»، در: www.namehnews.ir.
- عیوضی، محمدحسین و محمدجواد هراتی (۱۳۹۰)، *درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران*، قم: دفتر نشر معارف.
- معاونت حقوقی ریاست جمهوری (۱۳۹۵)، *مجموعه قانون اساسی ج.ا.ا.*، تهران: معاونت تدوین و تنقیح قوانین و مقررات.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۷)، *انقلاب اسلامی از دیدگاه فلسفه تاریخ*، تهران: صدرا.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۰)، *زمینه‌ها، عوامل و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران*، قم: نشر معارف.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۸)، *سیری در نظریه‌های انقلاب*، تهران: نشر قومس.
- الشیرازی، صدرالدین محمد (۱۳۴۰)، *رساله سه اصل*، تهران: چاپخانه دانشگاه.
- کریمی، محمدکاظم و کریم خان‌محمدی (۱۳۹۳)، «رویکردهای سیاسی اجتماعی در فلسفه صدرا»، *فصلنامه سیاست متعالیه*، سال دوم، شماره ۵.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۳)، *گفتمان انقلابی‌گری*، تهران: انتشارات حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- جهان‌بین، فرزاد، «انقلاب اسلامی و چشم انداز آینده»، در: www.farsnews.com.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۹)، *از ژرفای نماز*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- Eckstein, Harry (1965), *On the Etiology of internal Wars*, History and Theory.
- Huntington, Samuel (1968), *political Order in changing societe*, New Haven: Yale University Press.